

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرویس مخفی هیتلر

مؤلف:

والتر شلنبرگ

مترجم:

حسین فراهانی

سرشناسه	: شلنبرگ، والتر، ۱۹۱۰-۱۹۵۲ م. Schellenberg, Walter
عنوان و نام پدیدآور	: سرویس مخفی هیتلر، مولف والتر شلنبرگ؛ مترجم حسین فراهانی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر رونق، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۱۹۲-۷-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: (original title, The Labyrinth) titler s secret service: memoirs, 1971.
موضوع	: جنگ جهانی دوم، ۱۹۳۹-۱۹۴۵ م. - آلمان - سازمان‌ها و فعالیت‌های جاسوسی 'orld War, 1939-1945- Secret service- Germany
شناسه آ: وده	: فراهانی، حسین، ۱۳۵۳- مترجم
رده‌بندی گنره	: ۱۳۹۶ ش ۸۲ س / D ۸۱۰/۱
رده‌بندی دی‌رج	: ۹۴۰/۵۴۸۵۴۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۹۵۱

سرویس مخفی هیتلر



مترجم: حسین فراهانی

ناشر: نشر رونق

چاپ: اول - ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۱۹۲-۷-۶

آدرس: تهران، خیابان جلفا، کوچه پرستو، پلاک ۷، واحد ۶

تلفن: ۲۲۸۶۱۱۰۳ / همراه: ۰۹۱۲۵۸۴۴۷۸۵

فهرست

صفحه

عنوان

.....	مقدمه: نوشته‌ی آلن بولاک
۵	فصل اول: خصایص نازی‌ها
۷	فصل دوم: تحت فرمان هایدریش
۳	فصل سوم: تشریف آلمان و ارتش سرخ
۱	فصل چهارم: جاسوسی برای دشمن
۵	فصل پنجم: روز به بهستان
۱	فصل ششم: ماجراجویان و لنگر
۳	فصل هفتم: ملاحظات در بارهٔ مینلر
۹	فصل هشتم: توطئه‌ی ربودن دوک وینز
۹	فصل نهم: مقابله با سرویس اطلاعات سرخ
۹	فصل دهم: قضیه ریچارد سورگی
۷	فصل یازدهم: در جستجوی اوتو استراسر
۹	فصل دوازدهم: عملیات ضدجاسوسی
۱	فصل سیزدهم: راز رادولف هس
۷	فصل چهاردهم: در جنگ با روسیه
۳	فصل پانزدهم: به سوی یک سرویس اطلاعاتی منسجم
۳	فصل شانزدهم: عملیات «زپیلین»
۹	فصل هفدهم: روته کاپله

۲۳۳	فصل هجدهم: قتل هایدریش
۲۴۵	فصل نوزدهم: نقشه‌های صلح
۲۶۵	فصل بیستم: مولر
۲۷۳	فصل بیست و یکم: امیدهای من به یاس بدل می‌شوند
۲۸۹	فصل بیست و دوم: عملیات سیسرو
۳۰۱	فصل بیست و سوم: عملیات‌های سرویس مخفی
۳۲۱	فصل بیست و چهارم: حس‌گرهای صلح
۳۳۱	فصل بیست و پنجم: هیملر از زیر بار مسئله شانه خالی می‌کند
۳۳۷	فصل بیست و ششم: مذاکره با کنت برنادوت
۳۵۳	فصل بیست و هفتم: آخرین مأموریت من

مقدمه

نوشته‌ی آلن بولاک^۱

خاطرات والتر شلنبرگ^۲ را می‌توان در مجموعه‌ی رمان‌های جاسوسی درجه‌ی اول، جای داد. بنابراین، این کتاب ارزش خواندن را دارد. عناوین فصل‌ها به واقع منعکس کننده‌ی این چیزی است که در متن آمده است: نقشه‌ی ربودن دوک وینزور^۳، کشش سبکی جاسوسی در آلمان، به دام انداختن عوامل سری انگلستان در ونلو^۴، و شناسایی نابودی سازمان کمونیستی روت‌ه کاپله^۵، تمام اینها بخش‌هایی از تاریخ را تشکیل می‌دهند و قصه نیستند و این رویدادها توسط مردی توصیف شده است که به ریاست سرویس اطلاعات خارجی هیتلر دست یافت.

در پایان ژانویه‌ی ۱۹۳۳ وقتی نازی‌ها در آلمان به قدرت رسیدند، والتر شلنبرگ جوانی بیست و دو ساله و جویای کار بود. به سال تحصیل در دانشگاه بن^۶، که در طول آن مدت از پزشکی به حقوق تغییر رشته داد، او از توانایی‌هایی برخوردار شد. در زمانی که به دست آوردن شغل دشوارتر از هر

۱- Alan Bullock - مورخ انگلیسی ۱۹۱۴-۲۰۰۴ که زندگینامه تأثیرگذار هیتلر و آثار بسیار

۲- Walter Schellenberg

دیگر را نوشته است - مترجم

۳- Duke of Windsor

۴- Venlo - نام شهری در هلند - مترجم

۵- Rote Kapelle

۶- University of Bonn

زمان دیگری بود او همانند هزاران دانشجوی دیگر دانشگاه آلمان فقط می‌توانست به هوش و ادراک خود اتکا کند. او همانند هزاران نفر دیگری که در موقعیتی مشابه بودند به حزب نازی^۱ پیوست. این کار نه از روی اعتقاد راسخ به آن حزب و نه از روی مخالفت با آن، بلکه چون راهی آشکار برای موفقیت صورت گرفت.

شلمبرگ با بیشترین بهره‌برداری از تحصیلات خود به افراد اس‌اس^۲ که لباس سیاه به تن می‌کردند پیوست- در اس‌اس «مردمان بهتر» یافت می‌شدند- و او این لباس را پیدا کرد که شغلی را در اس‌دی^۳ به دست آورد- اس‌دی، سرویس اطلاعات و امنیتی بود که هایدریش^۴، جوان دیگری از آن مجموعه، در درون اس‌اس ایجاد کرده بود.

این دنیای شلمبرگ بر روی باقی دوره‌ی کاری او بود (این کار او در سی و پنج سالگی وی به پایان رسید)، دنیای سرویس مخفی و پلیس مخفی، دنیایی که در آن هیچ اتفاقی عجیب نبود، دنیایی که در آن سر در کار دیگران کردن، رفتاری عادی و انگیزه‌ای دم دستی بود و هیچ چیزی را آن طور که ظاهرش می‌نمود نمی‌دانستند، دنیایی که در آن دروغ، رشوه، حق‌السکوت‌گیری و جعل اوراق، ریاکاری و خشونت بخشی از زندگی روزمره بود.

شلمبرگ از تمام این جاذبه‌ی دروغین کار جاسوسی و مأموریت مخفی بودن کاملاً لذت می‌برد. او در نوشتن خاطراتش پس از جنگ و سره کردن بهره‌کشی‌هایش قادر به بازآفرینی موقتی حس هیجان و فعالیت بود که فقدان آن به سختی نیاز یک معتاد به مواد مخدر بود. وقتی او به توصیف اتریش می‌پردازد که در آن به ریاست سرویس اطلاعات خارجی آلمان مشغول بوده

1- Nazi party

2- SS- مخفف واژه‌ی آلمانی SchutzStaffel به معنای اسکادران دفاعی یا ارتش دفاعی، سازمان شبه نظامی بزرگی تحت فرمان آدولف هیتلر و حزب نازی Nazi Party بود- مترجم

3- SD

4- Heydrich

است، او با غروری پنهان نشده می نویسد: «میکروفون‌ها را در همه جا، در دیوارها، زیر میز، حتی در یکی از لامپ‌ها کار گذاشته بودند، بنابراین، تمام مکالمات و صداها بطور خودکار ضبط می شد ... میز من مثل یک قلعه‌ی کوچک بود. دو تفنگ خودکار در داخل آن کار گذاشته بودند که می توانستند تمام اتاق را با گلوله اسپره کنند. در موقع اضطرار فقط لازم بود که کلیدی را فشار بدهم و آن دو تفنگ بطور همزمان آتش می کردند. در همان زمان من می توانستم بلید دیگری را فشار بدهم و با آژیر نگهبانان را خبر کنم تا ساختمان را حاص... مام راه‌های خروجی را ببندند ... در ماموریت‌های خارجی به من دستور می دادند که یک دندان مصنوعی را در دهانم کار بگذارم که محتوی متالابی اددی سمی بود که در صورت دستگیر شدنم می توانست ظرف سی ثانیه مرا بکشد. برای اطمینان بیشتر، من انگشتر خاتمی به انگشت داشتم که در آن، زیر یک سنگ ... یک کپسول طلایی مخفی محتوی سیانید قرار داشت.»

اما نکته‌ای را که نباید فرسوس کرد این است که شلنبرگ هنگام نوشتن این قسمت دست به اغراق نزده است. رایش سوم، امپراطوری گانگسترها بود. حاکمان آن رفتاری از خود نشان دادند که برای آن فیلم‌های سینمایی درجه‌ی سه را به یاد ما می‌اندازند. و در این دنیای پرستش و عجبی که شلنبرگ آن را توصیف می کند بود که بزرگترین تصمیمات در رابطه با «راه حل نهایی» مشکل یهودیت یا تجاوز به روسیه گرفته می شد.

آن چه که شلنبرگ در اختیار ما قرار می دهد تصویری تاریک است که نه مخالفان و نه ژنرال‌ها یا سیاستمدارانی که برای تاکید بر عظمت خود هیجان زده هستند ارائه می کنند، بلکه کسی از خود آنها ارائه کرده است. این ارزش کتاب او به صورت یک سند تاریخی است زیرا هیچ یک از آنانی که خاطرات این دوره را منتشر کرده‌اند در موقعیتی به این خوبی نبوده‌اند تا آن

چه که در مرکز قدرت رخ داده است بطور مستقیم ببینند و در جریان امور قرار بگیرند.

شلنبرگ هیچ گاه جزو رهبران نازی نبوده است. عکس او به ندرت در روزنامه‌ها منتشر شده و نام او ناآشنا بوده است. او جزو «پسران اتاق پشتی» و متخصصان دیکتاتوری بوده است. او تنها عضو آن گروه عالی‌رتبه است که خاتمه خود را نوشته است. خوشبختانه، شلنبرگ به جای توجیه و دفاعیه نوشته به توصیف آن چه که دیده و یا انجام داده علاقمند بوده است. او در طراحی تصویر خاص استعداد داشته است. مولر^۱، ریبنتروپ^۲، کالتنبرنر^۳، همگی جان گرفته‌اند و از آن جنبه‌ی بشری برخوردار شده‌اند که بدون آن عنصر جالب موجود در اعدا و گفتار آنها نامتقاعدکننده باقی می‌ماند. هیچ یک از آنان به اندازه‌ی هایدنریش شلنبرگ تاثیر نگذاشتند و بخش «مردی با قلب آهنین»، که در آن او به رصیف، ابصری خود با هایدنریش می‌پردازد، بهترین صفحات کتاب را تشکیل می‌دهد.

مسئولیت شلنبرگ سازمان‌دهی کارهای اطلاعاتی در خارج از کشور آلمان بود. بنابراین، او در موقعیت خوبی بوده است تا روند و نایج سیاست هیتلر در برابر دشمن، و با متحدین آلمان و در کشورهای اشغال شده را دنبال کند. خطرات او در دو منطقه، روسیه و شرق دور، که او در ارتباط خاصی با آنها بوده است به میزان قابل توجهی به دانش ما در این رابطه می‌افزاید. او به زبان آلمانی در پشت خطوط روسیه و جلوگیری از نفوذ متقابل جاسوسان آلمانی به داخل خاک آلمان را به طور دقیق شرح می‌دهد. او به فرصت‌های از دست رفته‌ای در روسیه اشاره می‌کند که حاصل پایبندی سرسختانه‌ی هیتلر به سیاست خشونت غیرعقلی بوده است. در نتیجه‌ی همین شک‌ها، به ذهن او

1- Mueller

2- Ribbentrop

3- Kaltenbrunner

خطور می‌کند که از طریق نفوذ او در هیملر برنامه‌ی بزرگ صلح توافقی را (که طبق گفته‌ی خود او در اوایل سال ۱۹۴۲ شکل گرفت) به مرحله‌ی اجرایی درآورد.

شلنبرگ در ارتباط با موضوعات خاصی کاملاً سکوت می‌کند. او چندان با اردوگاه‌های کار اجباری یا قتل عام گسترده‌ی یهودیان اشاره نمی‌کند، اگر چه هر دوی اینها از مسئولیت‌های هیملر^۱ و اس‌اس بوده است. او همچنین بیش از یکی دو جمله درباره‌ی مخالفت آلمان با هیتلر و توطئه‌ی بیست جولای ۱۹۴۴ سخن نمی‌گوید، موضوعی که به خاطر نقش خودش در پاکسازی آلمان توطئه و نقشه‌هایش برای به دست گرفتن کنترل آلمان^۲ به خوبی درباره‌ی آنها ادوات داشته است.

بنابر ادعای او که به آنها اشاره کردم خاطرات شلنبرگ، کاملاً جدا از ادعای راوی، سندی تاریخی ارزش قابل توجه است. اکنون ما باید به بررسی اعتبار این خاطرات بپردازیم.

شلنبرگ با سقوط آلمان به دست برنادوت^۴ در سوئد پناه برد و به پیشنهاد برنادوت از فرصت استفاده کرد تا گزارش‌های را در زمینه‌ی مذاکراتی که او در آنها در طول آخرین ماه‌های جنگ نقش داشته است آماده کند. این به اصطلاح آن «یادداشت تروزا»^۵ است، عنوان آن برگرفته از نام روستایی است که این یادداشت در آنجا نوشته شده است و مبنای شرح ارائه شده در فصل‌های بعدی خاطرات را فراهم می‌کند. البته، به فاصله‌ی کمی پس از آن، متفقین خواستار استرداد شلنبرگ شدند و او در ژوئن ۱۹۴۵ به آلمان بازگشت تا در محاکمه‌ی خود در نورنبرگ حاضر شود. آمادگی برای دفن و بازجویی او

Himmler

۲- اقدام

۳- Abwehr سازمان اطلاعات ارتش آلمان ۱۹۴۵-۱۹۲۰- مترجم

Count Bernadotte
Trosa Memorandum

سوی مقامات متفقین مبنای دیگری را برای یادآوری رویدادهای کاری او فراهم آورد.

شلنبرگ در محاکمه‌ی جنایت‌کاران جنگی مهم از جمله گورینگ^۱، ریبنتروپ^۲ و دیگر رهبران نازی فقط در مقام شاهد ظاهر شد. محاکمه‌ی خود او تا ژانویه‌ی ۱۹۴۸ به تعویق افتاد، در آن زمان او در دادگاه نظامی آمریکا حاضر شد. جلسات دادگاه پانزده ماه طول کشید؛ و قضاوت تا آوریل ۱۹۴۹ به تعویق افتاد. شلنبرگ از تمام اتهامات به غیر از دو مورد مبرا شد. او یکی از اعضای اس‌اس^۳ بود که دادگاه نظامی بین‌المللی در طول محاکمه‌ی جنایتکاران جنگی^۴ آنها را سازمان‌های جنایت‌کار نامید و واحد اطلاعات خارجی ششم^۵ که او رئیس آن بود در اعدام بدون محاکمه‌ی تعدادی از زندانیان روس که در عملیات زیپلین^۶ شرکت کرده بودند شریک جرم شناخته شد. ولی به دلیل آن که او در مراحل بعدی جنک تلاش کرده بود به زندانیان اردوگاه‌های کار اجباری کمک کند، حالا انگیزش او^۷ سرچشمه دادگاه در جرم او تخفیف قائل شد. او به شش سال زندان^۸ محکوم شد، که یکی از سبک‌ترین حکم‌های صادره از سوی آن دادگاه بود.

شلنبرگ پس از دادگاه مدت زیادی در زندان^۹ بود. او می‌بایست تحت عمل جراحی سنگینی قرار می‌گرفت و بلافاصله پس از این عمل جراحی در اوایل ژوئن ۱۹۵۱ مورد عفو قرار گرفت و از زندان آزاد شد. او به عنوان پناه‌بردار و زمانی که آن جا بود بنابر قراردادی که با شرز ورلاگ^{۱۰}، یک نشریه‌ی نشراتی شناخته شده در برن^{۱۱}، پست نوشتن خاطرات خود را آغاز کرد. البته مدت‌ها پیش از آن، پلیس سوئیس او را یافت و از او خواست که آن کشور را ترک کند.

1- Goering

2- Ribbentrop

3- (AMT VI)

4- Operation "Zeppelin"

5- Scherz Verlag

6- Berne